

«تداخل» و تاثیر آن در نگارش عربی دانشجویان فارسی زبان

دکتر نرگس گنجی^۱

مریم جلائی پیکانی^۲

چکیده

تداخل زبان مادری، از برجسته ترین عوامل مؤثر در پیدایش خطاهای زبانی، در یادگیری زبان خارجی است. در مقاله‌ی حاضر که حاصل پژوهشی به روش تحلیلی - توصیفی بوده، تأثیر تداخل منفی زبان فارسی در نگارش دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی، بررسی شده است. جامعه آماری این پژوهش تعداد ۶۵ دانشجوی نیمسال هفتم دانشگاه‌های اصفهان و کاشان بود که به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش نیز، آزمون است که به صورت همزمان و با موضوعی که همه دانشجویان قادر به نگارش درباره آن باشند، برگزار شد. عمده ترین یافته‌های این پژوهش بیانگر این حقیقت است که تداخل زبان فارسی یکی از مهم ترین خاستگاه‌های خطاهای نگارشی دانشجویان این رشته است و ترجمه کلمه به کلمه از مؤثرترین عوامل بروز آن می‌باشد، به عبارت دیگر اندیشیدن به زبان فارسی و نگارش به عربی موجب تشدید تداخل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تداخل زبانی، خطای نگارشی، زبان فارسی، زبان عربی

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

مقدمه

از آنجا که هر زبانی دارای نظام صوتی و معنایی مستقل از زبان‌های دیگر است، تفاوت‌های نظام زبان اول و زبان دوم موجب تبادل و تداخل مشخصه‌ها و ویژگی‌های این دو نظام می‌گردد. از این رو زبان آموز ناچار مرتکب خطاهایی می‌شود که به اعتقاد پژوهشگران، تحلیل آنها تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف آموزش زبان دارد؛ زیرا ممکن است پاره‌ای از راه‌های مهم درک فرآیند یادگیری زبان دوم در آنها وجود داشته باشد، و «همان‌گونه که کورد^۱ یادآور شده است: خطاهای فراگیر بدین دلیل اهمیت دارد که راجع به چگونگی یادگیری زبان و اینکه چه راهبردها و روشهایی را زبان آموز در کشف این زبان به کار می‌گیرد، شواهدی را در اختیار پژوهشگر می‌گذارد» (براون، ص ۲۰۶) از این رو برای اولین بار در دهه ۶۰، روبرت لادو^۲ و فریز^۳ با تمرکز بر خطاهای میان زبانی که در واقع ناشی از تأثیر منفی زبان اول بر زبان دوم است، فرضیه تحلیل تقابلی^۴ را مطرح کردند. (الجمیلی، ۲۰۰۴)

این فرضیه با مخالفت‌هایی روبرو شد و برخی از زبان‌شناسان این فرضیه و تأثیر تداخل را مورد تردید قرار دادند، ولی همچنان یکی از عوامل اساسی و مؤثر در پیدایش خطاهای زبانی محسوب می‌شود و پژوهش‌های بسیاری نیز بر این محور در زبان‌های مختلف صورت پذیرفته است. در زمینه آموزش زبان عربی و آسیب‌شناسی آن در ایران تحقیقات چندانی انجام نگرفته، اما در سایر کشورها به خصوص کشورهای اروپایی و همچنین کشورهای عربی، تحقیقات علمی دامنه داری به منظور آسیب‌شناسی و ارتقاء کیفیت روند آموزش و یادگیری زبان عربی انجام شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- تحقیقات گسترده‌ای که در «معهد اللغة العربیة» واقع در دانشگاه ام‌القری در مکه مکرمه انجام گرفته و یکی از برجسته‌ترین آنها تحت عنوان "الأخطاء اللغویة التحریریة

^۱- Corder

^۲- Robert Lado

^۳- Fries

^۴- Analysis Contrastive

لطلاب المستوى المتقدم في معهد اللغة العربية بجامعة أم القرى" (۱۹۸۴) منتشر شده است؛ در این پژوهش که جامعه آماری آن در برگیرنده ۷۱ زبان آموز از کشورهای مختلف است، زبان مادری یکی از مهم ترین عوامل بروز خطاهای زبانی به شمار آمده است.

- رساله‌ای نیز توسط هویدا محمد الحسینی (۱۹۹۸) در دانشگاه المنصوره مصر تحت عنوان "الأخطاء اللغوية الشائعة في كتابات الدارسين في برامج تعليم اللغة العربية للناطقين بلغات أخرى" انجام گرفته که پژوهشگر، از *تداخل* زبانی به عنوان عامل اساسی بخش قابل توجهی از خطاهای نگارشی جامعه آماری خود یاد کرده است. (طعیمه والناقه، بی تا)

- در مقاله ای تحت عنوان "درس الإنشاء، المشاكل والحلول"، دکتر ماجد نجاریان (۱۳۸۴) به بررسی خطاهای دانشجویان ایرانی در نگارش عربی پرداخته و در آن نمونه‌هایی از *تداخل* در ترکیب‌های اضافی و وصفی را بیان کرده است.

مقاله کنونی، تداخل زبان فارسی (زبان اول) بر یادگیری زبان عربی (زبان دوم) مفصلاً و با ذکر نمونه‌هایی بررسی می‌کند و بیانگر این حقیقت است که قسمت عمده‌ای از خطاهای نگارشی دانشجویان ناشی از تأثیر پذیری زبان آموز از الگوهای ساختاری زبان فارسی است.

شایان ذکر است که زبان مادری تنها یکی از عوامل مؤثر در خطاپذیری زبان آموز است و خطاهای دیگری نیز در تولید زبانی او مشاهده می‌شود که فرضیه تحلیل تقابلی قادر به توضیح و توجیه آن نیست؛ اساسی‌ترین این خطاها، *تداخل* درون زبانی^۱ است. بنابراین زبان شناسان با فرضیه *تحلیل خطا* و با محوریت بررسی تداخل درون زبانی در جهت تکمیل فرضیه تحلیل تقابلی قدم برداشته‌اند؛ این فرضیه به بررسی خطاهایی می‌پردازد که از درون زبان خارجی و پیچیدگی‌های آن ناشی می‌شود.

به عنوان نمونه، خطاهای دانشجوی عربی در تصغیر، جمع‌های مکسر، اسم‌های منسوب، اعلال و ابدال و... در حیطه این فرضیه قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است در این تحقیق که خود مستخرج از پژوهشی گسترده است، به

^۱ - Intralingual

علت وسعت دامنه سایر خطاهای زبانی مجالی برای بررسی آن نیست و صرفاً خطاهای ناشی از *تد/خل* مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

۱- ادبیات تحقیق:

در آغاز بحث لازم است به منظور شناخت و توصیف دقیق خطاهای زبانی، توضیحی اجمالی درباره اصطلاحات مورد استفاده در تحقیق ارائه شود:

۱-۱- اشتباه و خطا:

در مطالعات زبان‌شناسی برای اینکه خطاهای زبان‌آموزان، دقیق و موشکافانه تحلیل شود، بسیار مهم است که بین اشتباه^۱ و خطا^۲ فرق قائل شویم؛ «اشتباه عبارتست از قصور در استفاده صحیح از نظامی شناخته شده، از این‌رو همه مردم چه در زبان بومی، چه در زبان دوم دچار اشتباه می‌شوند و بومی زبان‌ها معمولاً قادر به تشخیص و تصحیح چنین لغزشها یا اشتباهات هستند؛ این قبیل اشتباهات نتیجه کمبود توانایی نیست، بلکه حاصل نوعی نارسایی یا نقص در فرآیند تولید سخن است» (براون، ص ۲۰۶)، و پر واضح است که دانشجوی عربی نیز از آن مصون نیست، اما این اشتباهات، مورد مطالعه و بررسی ما نیست چرا که دانشجو با مروری بر نوشته یا گفته خود متوجه آن می‌شود و در صدد رفع آن برمی‌آید.

اما «خطا، عبارتست از انحرافی بارز از قواعد دستور زبان بزرگسالان که منعکس کننده توانش زبان بینابینی^۳ محصل می‌باشد» (همان، ص ۲۰۶)، که به لحاظ اهمیت آن، با استفاده از فرضیه تحلیل تقابلی و تحلیل خطا به بررسی آن می‌پردازند.

^۱ - Mistake

^۲ - Error

^۳ - "زبان بینابینی" (Interlanguage) بدین معناست که زبان دوم هر فرد منحصر و خاص او و قواعد این زبان تنها مخصوص خود اوست، بدین معنا که فراگیر زبان دوم، نظام زبانی مستقلی خاص خود می‌سازد و این نه نظام زبان بومی است و نه نظام زبان مقصود، بلکه بینابین آن دو واقع می‌شود. (براون، ۱۳۶۳، ص ۲۰۳)
این اصطلاح اولین بار توسط Selinker در سال ۱۹۶۹ به کار برده شد. (keshavarz, 1385, p:17)

۲-۱- تداخل (Interference)

به طور کلی، «چنانچه یادگیری اول بر یادگیری دوم تأثیر داشته باشد، در روان‌شناسی کاربرسته آن را تداخل می‌نامند» (ژیرار و گالیسون، ص ۷۶)، و یادگیری زبان نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست.

تداخل زبانی یا انتقال میان زبانی، نوعی انتقال خودکار و غیرارادی از ساختمان زبان اول بر سطح ساختاری زبان خارجی، به علت تداخل در عادت‌هاست و هنگامی می‌توانیم به وجود تداخل زبان اول با زبان خارجی پی‌ببریم که بتوانیم مسیر خطاهای زبان آموزان را تا رسیدن به ساختارهای مسبب این خطاها که در زبان اول وجود دارد، تعقیب کنیم. (فناعت پیشه، صص ۱۳-۱۴ به نقل از J. Dooughti & Williams. C.)

اگرچه زبان‌شناسان بر اجتناب ناپذیری تداخل اتفاق نظر دارند، اما برخی این پدیده را مثبت ارزیابی می‌کنند و آشنایی با زبان مادری را برای درک عمیق‌تر ساختار زبان دوم، ابزاری مفید تلقی می‌کنند، و برخی نیز آن را عامل بازدارنده یادگیری به شمار آورده‌اند؛ لذا با توجه به اختلافات مذکور، تداخل را به تداخل مثبت و تداخل منفی تقسیم کرده‌اند؛ تداخل مثبت، زمانی اتفاق می‌افتد که زبان "الف" باعث سهولت یادگیری زبان "ب" شود و در تداخل منفی بالعکس، زبان "الف" موجب تأخیر و مانع یادگیری زبان "ب" می‌گردد. (المکی، ص ۱۰)

مثال زیر به درک بهتر این مسأله کمک می‌کند:

از جمله خطاهای شایع دانشجوی رشته عربی، استفاده مکرر از فعل "کان" و مشتقات آن است، به عنوان نمونه می‌گوید:

- علیٌ یكون غنیاً.

در صورتی که همین دانشجو در یادگیری زبان انگلیسی به علت تشابه ساختار فارسی و انگلیسی، در این نوع جملات اسنادی خطا نمی‌کند و می‌گوید:

-Ali is rich

همچنین عرب زبان درحین تکلم به انگلیسی دچار خطا می‌شود و می‌گوید:

-Ali rich

که جمله، متأثر از "علی غنی" است. بنابراین با توجه به مثال فوق در این نوع جملات، بین زبان فارسی و انگلیسی تداخل مثبت و بین انگلیسی و عربی و همچنین فارسی و عربی تداخل منفی وجود دارد.

اگرچه در یادگیری زبان، هر دو نوع *تداخل* حائز اهمیت است، اما تداخل منفی به علت ایجاد خطا پررنگ تر می‌نماید؛ از این رو در این پژوهش به منظور پیشگیری و کاستن خطاهای نگارشی صرفاً تداخل منفی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲-۱- اسباب بروز تداخل زبانی

«معمولاً زبان آموز با پیش داوری غلط، یادگیری را با این فرض آغاز می‌کند که برای هر کلمه تنها یک معادل مترادف در زبان خارجی وجود دارد؛ بنابراین فرض ترجمه کلمه به کلمه یا تکرار زبان مادری تنها راهی است که زبان آموز می‌تواند ارتباط برقرار کردن در زبان خارجی را تجربه کند» (قناعت پیشه، ص ۱۵)، و در واقع تمسک به اصل برابری ترجمه‌ای، موجب بروز خطا می‌شود.

به عنوان نمونه، دانشجوی فارسی زبان می‌گوید:

- أرجو أن يرفع عنك الكسالة. (اصطلاح درست: أرجو أن تعود إليك الصحة.)

که دقیقاً ترجمه واژه به واژه این جمله فارسی است:

- امیدوارم کسالتت برطرف شود.

از این رو «بلوم - کلونکا^۱ و لونیستون^۲ معتقدند، تسلط بر زبان خارجی شامل این

فرآیند تدریجی است:

۱- کنار گذاشتن برابری ترجمه‌ای؛

۲- تثبیت استقلال ساختارهای دستوری زبان خارجی از موارد مشابه زبان اول؛

۳- توانایی فکر کردن به زبان خارجی؛» (قناعت پیشه، ص ۱۶ به نقل از H.W.Deichert)

^۱- Blum - kulka

^۲- Levenston

از جهتی دیگر، زبان آموز حجم معینی از جملات، کلمات و کاربرد آنها را در شرایط مختلف حفظ می‌کند و سپس با استفاده از قوانین مشخص دستوری و املائی منظور خود را طرح ریزی و بیان می‌نماید. اما با توجه به این که او در زبان خارجی تجربه و تمرین کمتری نسبت به گویشواران دارد، در عمل از به کارگیری این قوانین بنیادین ناتوان است و برای بیان منظور خود، تحت تأثیر قوانین و ساختارهای زبان مادری قرار می‌گیرد. (جواندل، ۱۳۷۰)

۱-۲-۲- عوامل مؤثر در میزان تداخل

اگر چه تداخل در یادگیری هر زبان خارجی و توسط همه زبان آموزان اتفاق می‌افتد، اما بسامد خطاهای ناشی از آن تحت تأثیر برخی عوامل، متغیر است.

- معمولاً خطاهای تداخل در مراحل اولیه یادگیری از فراوانی نسبتاً بالایی برخوردار است؛ چرا که عدم آشنایی و یا آشنایی ناکافی با ساختار و الگوهای زبان خارجی، زبان آموز را به بهره‌گیری از تجارب قبلی‌اش در زبان مادری، سوق می‌دهد و هر چه در زبان خارجی مهارت بیشتری بیابد، از بسامد این نوع خطاها کاسته می‌شود.

- از طرفی دیگر «زبانهایی که ساختارهای همسان بیشتری دارند (مانند انگلیسی و فرانسوی)، نسبت به زبانهایی که ساختار و ویژگیهای همسان کمتری دارند (مانند انگلیسی و ژاپنی)، بیشتر در معرض خطر تداخل دو طرفه قرار می‌گیرند.» (قناعت پیشه، ص ۱۴)

- همچنین به نظر می‌رسد هرچه تعداد زبان‌هایی که زبان آموز به آن تکلم می‌کند و یا در حال یادگیری آنهاست بیشتر باشد، امکان تداخل نیز زیادتر است.

۱-۲-۳- انواع تداخل

تداخل زبانی به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) تداخل واجی^۱

^۱ - Transfer of Phonological Elements

«تداخلی که از زبان مادری ناشی می‌شود در هیچ زمینه‌ای، واضح‌تر از *تداخل* در دستگاه صوتی نیست. *تداخل‌های* زبانی مربوط به یادگیری آهنگ جمله، نوای گفتار و عادت‌های فردی و تکیه و لهجه افراد از این دسته است» (ژرار و گالیسون، ص ۷۶)، به همین دلیل به اعتقاد برخی از زبان‌شناسان، بهترین سن یادگیری زبان بیگانه پیش از آموختن دستور زبان مادری به طور اصولی است.

«کودکی که زبان خارجی را قبل از سن دوازده یا سیزده سالگی می‌آموزد، معمولاً آن را بدون لهجه فرا می‌گیرد، ولی به ندرت افرادی هستند که اگر آموزش زبان خارجی را بعد از سن ۱۸ سالگی آغاز نمایند، میتوانند خود را از مسأله تداخل ناشی از نظام آوایی زبان مادری خلاصی بخشند. هرچه سن بیشتر باشد، مبارزه با تداخل زبان مادری برایش مشکل‌تر میشود، و این امر برای او بیشتر جنبه کوششی ارادی و هدایت شده پیدا میکند.» (حسنیان، ۱۳۶۶) «مانند انگلیسی‌زبانان که در یادگیری زبان فارسی از آموختن مشخصه‌های صامت "خ" عاجزند و مثلاً "خیلی خوب" را نزدیک به "کیلی کوب" تلفظ می‌کنند.» (ژرار و گالیسون، ص ۷۶)

ب) تداخل دستوری^۱

اساسی‌ترین تأثیری که زبان مادری بر زبان دوم می‌گذارد، این است که زبان آموز ابتدا قواعد و دستور زبان مادری خود را آگاهانه یا ناآگاهانه (در مدرسه یا در سن پیش از آن) فرا می‌گیرد و وقتی یادگیری زبان دیگری را شروع می‌کند، می‌خواهد این دستورهای از پیش آموخته را در زبان دیگر هم به کاربرد (عیلانی، ۱۳۸۰)، به عنوان مثال زبان آموز ایرانی هنگام تکلم به انگلیسی می‌گوید: I him see (حسنیان، ۱۳۶۶) که دقیقاً ترجمه این جمله فارسی است: من او را می‌بینم.

ج) تداخل واژگانی^۲

^۱- Transfer of Grammatical Elements

^۲- Transfer of Morphological Elements

درزمینه واژگان یا معنی واژه‌ها نیز مشکل اصلی در یادگیری زبان خارجی، همان زبان مادری است. «یک واژه در زبان خارجی با واژه‌ای در زبان مادری ارتباط معنایی پیدا می‌کند و سپس همانند واژه زبان مادری مجدداً به کار گرفته می‌شود. این تداخلها، "دوستان کذایی"^۱ نام گرفته‌اند.» (همان منبع)

به عنوان مثال «عرب زبانان خوزستان وقتی فارسی حرف می‌زنند به زن ماست فروش می‌گویند: مادر ماست (= أم روبه) و به باغبان می‌گویند: پدر باغ (= أبو بوستان)» (ژیرار و گالیسون، ص ۷۷)

۲- تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

۲-۱- جامعه آماری و نمونه پژوهش

در جامعه آماری پژوهش پیش رو، از بین دانشگاه‌های موجود در سطح استان اصفهان، دو دانشگاه دولتی اصفهان و کاشان مد نظر بوده که از این مجموعه یک نمونه ۶۵ نفری از دانشجویان ترم هفت (در آستانه فراغت از تحصیل) ورودی سال ۸۳ دوره لیسانس انتخاب شد که از این تعداد ۳۷ دانشجو (۳۲ دختر و ۵ پسر) از دانشگاه اصفهان و ۲۸ دانشجو (۱۹ دختر و ۹ پسر) از دانشگاه کاشان بودند.

۲-۲- ابزار پژوهش

ابزار مورد استفاده در این پژوهش «آزمون» است که در آن، از دانشجویان خواسته شد در مدت ۳۰ دقیقه و در ۹ تا ۱۱ سطر درباره فواید سفر انشاء بنویسند.

قابل ذکر است که آزمون، همزمان در دو دانشگاه و بدون اطلاع قبلی دانشجویان صورت گرفت که البته این مسأله خود موجب برانگیختگی خطاها^۲ می‌شود.

۲-۳- داده‌های پژوهش و تحلیل آنها بر اساس انواع تداخل

مصادق بارز تداخل واجی در ارتباط با یادگیری زبان عربی، مشکل زبان آموزان

^۱- False Friends

^۲- Error Provoking

ایرانی در تلفظ حروفی چون صاد، ضاد، ذال، ثاء و طاء است که در حین مکالمه به عربی به خصوص نزد گویشوران عرب به راحتی قابل درک است و با توجه به اینکه مقاله حاضر بر محور جملات نگارشی، تدوین شده است، بررسی آن در چارچوب این مقاله نمی‌گنجد.

اما در مقوله خطاهای نگارشی برخی از شایع‌ترین خطاهای دانشجویان عربی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته اند به شرح زیر است:

۲-۳-۱- تداخل‌های دستوری

پس از بررسی انشاءهای دانشجویان، خطاهای دستوری از جمله خطاهای ملحوظ بوده است که به برخی از نمونه‌های آن پرداخته می‌شود:

• عدم مطابقت در تذکیر و تانیث:

این نوع خطا در مثال‌های زیر مشهود است:

- ۱- هذه الآية يعني أن الجولة والرحلة في الأرض يسبب الإنسان يحصل التجارب*.^۱
(عبارت صحیح: هذه الآية تعني أن السير في الأرض يُكسب الإنسان تجارب كثيرة.)
- ۲- هذه المعرفة مفيد جداً.

(عبارت صحیح: هذه المعرفة مفيدة جداً.)

این خطا از آنجا ناشی می‌شود که در زبان فارسی در حالت‌های اسناد فعل یا ضمائر و یا اسم‌های اشاره و... تفاوتی میان مذکر و مؤنث وجود ندارد.

• تعریف و تنکیر:

از میان خطاهای شایع دانشجویان مورد بررسی در این زمینه می‌توان به موارد ذیر اشاره کرد:

أ) افزودن «ال» به کلمه مضاف به معرفه

۱- علامت (*) بیانگر آنست که جمله علاوه بر خطای مذکور، خطاهای دیگری نیز دارد.

این خطا از شایع ترین خطاهای نگارشی دانشجویان است؛ مانند:

۱- علينا أن نجمع الأسباب السفر.

(عبارت صحیح: علينا أن نهيئ أدوات السفر.)

۲- يضاعف في كل السفر التجربة إلى التجارب الانسان.*

(عبارت صحیح: يكسب الإنسان في كل سفر تجربة جديدة.)

این نوع خطا از آنجا ناشی می شود که «آخرین حرف کلمات فارسی در حالت افراد، ساکن است و هنگامی که مضاف الیه یا صفتی برای آن ذکر می شود، مجرور می گردد» (جامعه أم القرى، ص ۱۳۵)؛ مثلاً «كتاب» به «كتاب او» یا «كتاب سودمند» تبدیل می شود. از این جهت دانشجو نیز در تراکیب اضافی عربی، به جای کسره موجود در فارسی و در واقع برای ایجاد تغییری در مضاف به تبع ترکیب فارسی، بر سر مضاف «ال» می آورد.

ب) عدم مطابقت صفت و موصوف در تعریف و تنکیر

با بررسی نوشته های دانشجویان، به جملات نادرست بسیاری در این مقوله برخوردیم، که به عنوان نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد؛

۱- إن السفر دواء لكل الأمراض حتى أمراض الجسمية.

(عبارت صحیح: إن السفر دواء لكل الأمراض حتى الأمراض الجسدية.)

۲- يجب على الانسان أن يسافر في الأماكن مختلفة.

(عبارت صحیح: على الإنسان أن يسافر إلى بلاد مختلفة.)

این خطا از آنجا ناشی می شود که «در زبان فارسی، تفاوت ظاهری، میان مضاف و مضاف الیه و موصوف و صفت وجود ندارد، از این رو دانشجو تحت تأثیر زبان مادری مرتکب چنین خطاهایی می شود.» (همان)

البته قابل ذکر است که بروز چنین خطاهایی را از زاویه دیگر می توان ریشه یابی کرد و آن را ناشی از تداخل درون زبانی در عربی دانست.

ت) افزودن «کل» به اسم معرفه به جای نکره:

این گونه خطا نیز با در نظر گرفتن تداخل زبان فارسی توجیه می‌شود، چرا که دانشجوی ایرانی تصور می‌کند «کل» در عربی دائماً معادل «هر» در فارسی است از این رو به مضاف الیه «کل» چندان توجهی ندارد، لذا جملاتی این چنین تولید می‌کند:

۱- کل الإنسان یحب السفر.

(عبارت صحیح: کل إنسان یحب السفر.)

۲- واجب علی إنسان أن یسافر فی کل الأسبوع مرة واحدة.

(عبارت صحیح: واجب علی الإنسان أن یسافر فی کل أسبوع مرة واحدة.)

• عدم مطابقت در نوع و عدد

یکی از خطاهای پر بسامد دانشجویان مورد آزمون در این تحقیق، عدم مطابقت عددی میان فعل و فاعل، موصوف و صفت، مبتدا و خبر و ... است؛ مانند جملات زیر:

۱- یلجأون الأفراد إلى السفر....

(عبارت صحیح: یلجأ الإنسان إلى السفر....)

۲- نحن نفرح كثيرا في السفر إن نساfer مع أصدقائنا العزیزة.

(عبارت صحیح: نحن نفرح كثيرا في السفر إن سافرنا مع أصدقائنا الأعزاء.)

۳- اشخاص التي یسافر دائما....*

(عبارت صحیح: الذین یسافرون دائماً...)

در مثال‌های فوق، خطا ناشی از *تداخل* است؛ در جمله اول، دانشجو با تأثیر پذیری از زبان فارسی که در آن فعل در ابتدای جمله نیز برای فاعل جمع به صورت جمع می‌آید مرتکب خطا شده و در جمله دوم نیز با الهام از مفرد بودن صفت در احوال مختلف - چه موصوف مفرد باشد، چه مثنی و چه جمع - در زبان فارسی، دچار چنین خطایی شده، همچنان که در جمله سوم نیز اسم موصول (التي) تحت تأثیر ترجمه کلمه به کلمه جمله فارسی به عربی، نادرست به کار رفته است.

البته چنان‌که قبلاً یادآور شدیم، چنین خطاهایی را نیز می‌توان از منظری دیگر ناشی

از پیچیدگی‌های خود زبان عربی نزد زبان آموز یا همان انتقال درون زبانی دانست، اما چنان‌که با مثالهای مذکور مبرهن شده است، تأثیر زبان فارسی نیز بسیار پر رنگ به نظر می‌رسد.

• خطا در عدد و معدود

از آنجا که در زبان فارسی، معدود در همه احوال به صورت مفرد می‌آید، زبان آموز به تبع ساختار فارسی در به کار بردن عدد و معدود در زبان عربی مرتکب خطا می‌شود؛ مانند:

– يمكن أن نعرف كل سنن واحد مدينة في سبوع يوم*.

(عبارت صحیح: بإمكاننا التعرف على جميع التقاليد التي توجد في مدينة خلال سبعة أيام.)

• اهمال ضمير

حذف ضمير عائد به موصول، حذف ضمير عائد به اسم مذکور، و حذف ضمير شأن، از جمله خطاهای نگارشی دانشجویان یاد شده در به کار گیری ضمیر است؛ مانند:

۱- مخرج السفر مع الطائرة كثير ولكن / ثمین*.

(عبارت صحیح: كلفة السفر مع الطائرة كثيرة لكنه يستحقها.)

۲- ... لأنّ / يكشف الإنسان طاقاته النفسية.

(عبارت صحیح: ... لأنّ الإنسان يكشف طاقاته النفسية.)

۳- ... تجارب التي / مفيدة في الحياة*.

(عبارت صحیح: ... التجارب المفيدة في الحياة.)

اگرچه این نوع خطا از جهتی ناشی از آشنایی ناکافی نسبت به چگونگی به کارگیری ضمائر است ولی از جهتی نیز ناشی از *تداخل* زبان فارسی و ترجمه کلمه به کلمه جملات است.

• حروف جر

به کارگیری نادرست حروف جر از جمله خطاهایی است که تقریباً در بین دانشجویان مورد آزمون فراگیر و عام بود. با دسته بندی جملات نادرست مربوط به حروف جر می‌توان آنها را در سه دسته قرار داد:

الف) استفاده از حروف جر نامناسب برای افعال به تبع از معادل فارسی آن؛ مانند:

۱- ذهبنا بحديقة خارج المدينة يوم الجمعة.

(عبارت صحیح: ذهبنا إلى حديقة خارج المدينة يوم الجمعة.)

۲- ذهبنا مع السيارة^۱.

(عبارت صحیح: ذهبنا بالسيارة.)

ب) اهمال حرف جر؛ مانند:

- يجب كثير الناس أن يسافروا.

(عبارت صحیح: يجب كثير من الناس أن يسافروا.)

ج) استفاده غیر ضروری از حروف جر؛ مانند:

۱- السفر واحد من موارد الذي يستطيع الإنسان بمساعدته كسب تجارب العديدة. *

(عبارت صحیح: السفر يُكسب الإنسان تجاربَ عديدة.)

۲- هذه الأمكنة تفيد لهم كثيراً.

(عبارت صحیح: هذه الأمكنة تفيدهم كثيراً.)

• اهمال «أن» مصدریه

این نوع خطا نیز ناشی از تداخل زبان فارسی است، چرا که در زبان فارسی معادلی برای آن وجود ندارد؛ از این جهت زبان آموز با ترجمه جملات فارسی به عربی در به کارگیری این حروف دچار خطا می‌شود، مانند جملات زیر:

۱- يمكن الإنسان طوال سفره / يتعب من السفر.

(عبارت صحیح: يمكن أن يتعب الإنسان في سفره.)

۱- از پربسامدترین خطاهای ناشی از تداخل دانشجویان، خلط در استفاده "مع" و "باء" است.

۲- يجب على الإنسان / يستفيد من هذه النعمة.

(عبارت صحیح: يجب على الإنسان أن يستفيد من هذه النعمة.)

چنانکه مشهود است، این عبارات ترجمه تحت اللفظی جملات زیر است:

- ممکن است انسان در طول سفر خسته شود.

- انسان باید از این نعمت استفاده کند.

• حذف حروف مشبیه بالفعل

با توجه به جملات زیر و مقایسه با ترجمه فارسی آن می‌توان نتیجه گرفت در این

خطا نیز تداخل زبان فارسی بسیار مؤثر است:

۱ - نعلم / السفر الطویل أماننا. (عبارت صحیح: نعلم أن أماننا سفرًا طویلًا.)

- می‌دانیم سفری طولانی درپیش داریم.

۲- في رأيي / القطار أو الطائرة... (عبارت صحیح: في رأيي أن القطار أو الطائرة...)

- به نظر من قطار یا هواپیما...

در تداخل دستوری همچنین «احتمال دارد زبان آموز، واژه‌ها را برحسب الگوها

و صورتهای زبان خود و نه زبان خارجی در کنارهم قراردهد» (حسنیان، ۱۳۶۶)، برخی از

شایع‌ترین *تداخلهای* دستوری دانشجویان عربی در این زمینه به شرح زیر است:

• خطا در ترکیب‌های اضافی؛

.ثمان سنوات الحرب المفروضة، که ترجمه واژه به واژه "هشت سال جنگ تحمیلی"

است.

(عبارت صحیح: السنوات الثمانية للحرب المفروضة)

• خطا در ترکیب‌های وصفی؛

- يمكن أن نعرف كل سنن واحد مدينة في سبع يوم*.

(عبارت صحیح: بإمكاننا التعرف على جميع التقاليد التي توجد في مدينة خلال سبعة أيام.)

• تقدیم ظروف زمان و مکان بدون قصد تأکید؛

۱- الإنسان في السفر يتعب.

(عبارت صحیح: يتعب الإنسان في السفر.)

۲. في المجتمع الإنساني يتعب الإنسان.

(عبارت صحیح: يتعب الإنسان في المجتمع الإنساني.)

• آوردن اسم بعد از عندما؛

_ عندما نحن نساfer إلى البلاد الأخرى...

(عبارت صحیح: عندما نساfer إلى البلاد الأخرى...)

ثانياً: ممکن است زبان آموز، جمله ای را طبق قواعد زبان خود به جمله دیگری

تغییر دهد (همان منبع)، به عنوان نمونه :

• استفاده از موصولات بعد از اسم‌های نکره، برای افاده " که " فارسی در

جمله عربی:

_ أشياء التي كانت للإنسان مخفياً ومستوراً.

(عبارت صحیح: أشياء كانت مخفياً ومستوراً للإنسان.)

• بیان مضاف الیه بعد از صفت؛

_ أنا أحب أن أرى مناظر الجميل الطبيعة.

(عبارت صحیح: أنا أحب أن أرى مناظر الطبيعة الجميلة.)

۲-۳-۲- تداخل واژگانی

با مطالعه تداخل واژگانی در انشای دانشجویان، خطاهای زیر ملحوظ بوده است:

• استفاده از کلماتی که لفظاً در فارسی و عربی مشترکند اما حامل بارمعنایی کاملاً

متفاوتند؛ مانند:

۱- يعرف الإنسان آدابهم وسننهم المتنوعة. (آداب درعربی معاصر، به معنای ادبیات به

کاربرده می‌شود و کلمه " طقوس " معادل " آداب و رسوم " و " تقالید " معادل " سنتها " است.)

(عبارت صحیح: يتعرّف الإنسان على طقوسهم وتقاليدهم المتنوعة.)

۲- و هو يشاهد رسوماً يعجبه أو يكرهه. (همانطور که ذکر شد، "الطقوس" معادل آداب و رسوم است و "الرسوم" در عربی معاصر جمع "الرسم" و به معنای تصویر نقاشی شده است.)

(عبارت صحیح: وهو يشاهد طقوساً تعجبه أو لاتعجبه.)

۳- لم يجد وسائل النقلية*.

(عبارت صحیح: لم تكن توجد وسائل النقل.)

۴- مخارج السفر مع الطائفة كثيرة*.

(عبارت صحیح: كلفة السفر بالطائفة كثيرة.)

۵- عندما يتعب الإنسان من حياته الشغلية.

(عبارت صحیح: عندما يتعب الإنسان من عمله.)

۶- هذا التعارف يؤدي إلى أن يعلموا مقام ملتهم.

(عبارت صحیح: هذا التعارف يؤدي إلى أن يعرفوا مكانة شعبهم.)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این نوع تداخل به علت جذب حجم گسترده‌ای از واژگان عربی در فارسی از دامنه وسیعی برخوردار است و در این مختصر نمی‌توان مفصلاً به آن پرداخت.

• استفاده مکرر دانشجو از اسماء اشاره بخصوص هذا و ذلك بدون قصد تأکید، در صورتی که حرف تعریف "ال" بر سر بسیاری از کلمات عربی مفید اشاره است؛ مانند:

- ويعرف الإنسان بهذا السفر عادات اقوام مختلفة.

(عبارت صحیح: ويعرف الإنسان بالسفر عادات اقوام مختلفة.)

• **زیاده روی در استعمال "کینونه" و "وجود" و مشتقات آن:** که با نگاهی گذرا به متون عربی معاصر دریابیم که این فعل بسیار کم کاربرد است اما دانشجوی ایرانی با تأثیرپذیری از قواعد زبان مادری در عبارات اسنادی این فعل را بسیار به کار می‌گیرد؛ مانند:

۱- يكون للسفر فوائد كثيرة.

(عبارت صحیح: للسفر فوائد كثيرة.)

۲- يوجد في السفر كثير من الفوائد والتجارب.

(عبارت صحیح: في السفر فوائد وتجارب كثيرة للإنسان.)

• **معادل یابی نادرست برای اصطلاحات عربی، مانند:**

۱- الإنسان يلجأ إلى السفر لرفع الكسالة.

(عبارت صحیح: يلجأ الإنسان إلى السفر لإزالة الكسل.)

۲- السفر أحسن الطريق لرفع هذه الحاجة.*

(عبارت صحیح: السفر أحسن طرق لسد الحاجة.)

ناگفته نماند در باب نگارش عربی نیز به علت تشابه تقریبی حروف الفبای فارسی و عربی شاهد تداخل و خطاهایی چند هستیم که بارزترین آنها خلط در نگارش تاء مدوره و ممدوده و یا خطا در نگارش همزه و یاء و کاف عربی است .

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تداخل زبان مادری بر یادگیری زبان خارجی یا دوم، که بنا به دلایلی از جمله داد و ستد گسترده واژگان و تشابه حروف و وجوه اشتراک دیگر، در ارتباط با زبان فارسی و عربی پررنگ تر می‌نماید، عاملی مؤثر

در بروز سهم قابل توجهی از خطاهای زبانی دانشجویان فارسی زبان است؛ لذا با توجه به اینکه آموزش و یادگیری زبان بر مبنای سه رکن اساسی معلم، زبان آموز، و کتب آموزشی شکل می‌گیرد، نیازمند مشارکت و تعدیلی همه جانبه هستیم؛

بر استادان و معلمان این زبان لازم است:

۱- با روشهای مقایسه‌ای بین دو زبان از بسامد اشتباهات ناشی از تداخل بکاهند.

زمینه های قابل مقایسه دو زبان عبارتند از:

أ) زمینه زبان شناسی: در این خصوص باید سعی شود تا شباهت‌ها و تفاوت‌های بین ساختارهای جملات به زبان آموز نشان داده شود. بهترین استفاده از این زمینه، خاص کسانی است که زبان مادری خود را به خوبی می‌شناسند.

در زمینه واژه شناسی نیز توصیه می‌شود کلماتی که در هر دو زبان ریشه یکسانی دارند، برای زبان آموز مشخص شود. از جمله موارد مشابه دیگر می‌توان به وجوه افعال، آواشناسی و طنین کلام اشاره کرد. ارائه فعل‌هایی که در هر دو زبان حروف اضافه یکسانی دارند، تأثیر مثبتی می‌گذارد.

ب) زمینه افکار و اندیشه‌ها: در مبحث مقایسه دو زبان در زمینه افکار و اندیشه‌ها، معلم زبان باید موارد مشابهی را از زبان اول و دوم انتخاب کند و به زبان آموز اختلاف‌ها و شباهت‌های موضوعات را نشان دهد.

مثلاً می‌توان از ضرب المثل‌ها و اصطلاحات و تعابیر مشترک دو زبان استفاده کرد. شناخت قبلی زبان آموز از اصطلاحات زبان مادری به او کمک می‌کند تا منظور واقعی و کاربرد آنها را در زبان دوم دریابد و این کلمه با ترجمه کلمه به کلمه به دست نمی‌آید. (عیلانی، با تصرف، ۱۳۸۰)

۲- گزینش روشهای تدریس بایستی با در نظر داشتن مشکلات زبان آموزان و درصدد رفع آنها باشد.

۳- اطلاع استادان بزرگوار از نظریات جدید زبان آموزی و بهره‌گیری از آنها حین تدریس خالی از فائده نیست.

۴- تشویق دانشجویان به تصحیح خطاهای نگارشی و گفتاری یکدیگر نیز موجب

آشنایی آنان با انواع خطاها و در نتیجه پرهیز از وقوع خطا می‌شود.
 ۵- گزینش جملات فصیح و پرکاربرد زبان عربی و ملزم کردن زبان آموزان به حفظ و الگوپذیری از ساختار این جملات حین نگارش و مکالمه نیز آنها را با کاربرد صحیح جملات عربی آشنا می‌کند.

شایسته است زبان آموز نیز:

مطالعه آگاهانه و دقیق متون عربی معاصر را به منظور درک تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان واژگان و اصطلاحات و کیفیت چینش کلمات در بافت جملات فارسی و عربی، در کانون توجه قرار دهد، چرا که طبق نظریات زبان شناسی کسی می‌تواند ادعای تسلط بر زبانی را داشته باشد که وجوه تفاوت زبان مادری اش را با زبان هدف درک کند، درعین حال با مطالعه هر چه بیشتر متون عربی، این امکان فراهم می‌آید که به زبان عربی بیندیشد و این مسأله به نوبه خود موجب کاهش خطاهای نگارشی و گفتاری می‌گردد؛ به عبارت دیگر زبان آموز تا حد ممکن باید از ترجمه کلمه به کلمه یا تکرار زبان مادری پرهیزد.

در ارتباط با محتوای کتب درسی نیز توصیه می‌شود:

کتاب‌هایی ویژه زبان آموزان ایرانی در زمینه آموزش عربی تألیف گردد، به عبارت دیگر بومی کردن کتب درسی ضروری می‌نماید؛ زیرا به موجب تداخل زبان فارسی، آنان دچار مشکلاتی هستند که عرب زبانان و یا عربی آموزان غیر ایرانی با آن مواجه نیستند.

شایان ذکر است که با در نظر داشتن مزایای مترتب بر پژوهش‌های زبان‌شناسی در آسیب شناسی یادگیری زبان‌های خارجی که به نوبه خود موجب تسریع و سهولت فرآیند یادگیری می‌گردد، امید می‌رود پژوهشگران رشته زبان عربی توجه بیشتری به این مسأله نشان دهند و با بررسی خاستگاه‌های خطاهای زبانی، چه در گفتار و چه در نوشتار، از بسامد آن بکاهند.

لذا پیشنهاد می‌شود برای تکمیل پژوهش پیش رو، تأثیر تداخل درون زبانی عربی

در بروز خطاهای گفتاری و نوشتاری و همچنین خطاهای رشدی^۱، استراتژیهای ارتباطی و اسلوب تدریس، کیفیت محتوایی متون و ... مورد بررسی قرار گیرد تا با بهره گیری از یافته‌های آن بتوان در جهت بومی سازی متون آموزشی، توجیه استادان در روشهای آموزشی و تسریع یادگیری عربی گامهای مؤثر برداشت.

منابع و مأخذ

- براون، اچ. داگلاس. (۱۳۶۳)؛ اصول یادگیری و تدریس زبان. ترجمه مجد الدین کیوانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

جامعة أم القرى؛ الأخطاء اللغوية التحريرية لطلاب المستوى المتقدم في معهد اللغة العربية بجامعة أم القرى. (۱۹۸۴)..
الجميلي، سمير. (ابريل ۲۰۰۴). التداخل اللغوي مصدر صعوبة للطلبة العراقيين والعرب الذين يتعلمون اللغة الإنجليزية. مجلة علوم إنسانية. العدد ۸. الموقع:

<http://www.ulum.nl.a87.htm>

- جواندل، نرجس. (۱۳۷۰)؛ تفاوت های یادگیری زبان دوم در کودکان و بزرگسالان. مجله رشد آموزش زبان، شماره ی ۲۸.

- حسینیان، حسین. (۱۳۶۶). **مسئله تداخل در یادگیری زبان خارجی**. مجله رشد آموزش زبان، سال سوم، شماره ی ۱۲ و ۱۱.

- ژیرار، دنی؛ و روبر گالیسون. (۱۳۶۶). زبانشناسی کاربرسته و علم زبان آموزی. ترجمه الله وردی آذری نجف آباد. واحد فوق برنامه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی مرکز.

- ژیرار، دنی. (۱۳۶۵). زبانشناسی کاربردی و علم آموزش زبان. ترجمه گیتی دیهیم. مرکز نشر دانشگاهی.

- سهیلی. (۱۳۶۴). تحلیل خطاهای دستوری. مجله رشد آموزش زبان، سال اول، شماره ی ۳.
طعیمه، رشدي أحمد و الناقة، محمود كامل. (دون تاريخ). مشكلات تعليم اللغة اتصالياً: صعوبات وأخطاء بين الطلاب والمعلمين. الموقع:

<http://www.isesco.org.ma/arabe/publications/Taalim%20Logha/P5.php>

- عیلائی، رزیتا. (۱۳۸۰). تأثیر تداخل زبان مادری در آموزش زبان خارجی. مجله رشد آموزش زبان، سال پانزدهم، شماره ی ۶۰.

^۱ - Developmental Errors

- قناعت پیشه، عترت الزهرا. (۱۳۸۵). بررسی میزان تداخل زبان فارسی در یادگیری زبان انگلیسی زبان آموزان دوره ی متوسطه. مجله رشد آموزش زبان، دوره ی بیستم، شماره ۳.
- المکی، میسرأحمد. (۱۳۸۴). نظریات تعلم اللغة الثانية وکیفیه الإفادة منها لتقویم و تطوير تعليم العربية كلغة ثانية. مجموعه مقالات دومین همایش مدیران گروههای عربی دانشگاههای کشور (۱۱-۱۲ تیر ماه ۱۳۸۴ گروه عربی دانشگاه اصفهان)
- نجاریان، ماجد. (۱۳۸۴). درس الانشاء، المشاكل و الحلول. مجموعه مقالات دومین همایش مدیران گروههای عربی دانشگاههای کشور (۱۱-۱۲ تیر ماه ۱۳۸۴ گروه عربی دانشگاه اصفهان)

Keshavarz, Mohammad Hossein. (1994). *contrastive and error analysis*.

Keshavarz, Mohammad Hossein. (2006). *Error Analysis*. Tehran: samt.

Mohammadzade, Zahra sadat. (2007). *the effect of different types of corrective feedback or grammatical errors in student writing. The case of Iranian pre-university students. University of Isfahan*.

«التداخل اللغوي» و تأثيره في الأخطاء الكتابية لطلاب اللغة العربية من الناطقين بالفارسية

الدكتورة نرگس گنجي

أستاذة مساعدة في فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة أصفهان

مريم جلائي بيكاني

طالبة الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة أصفهان

الملخص

إن الأخطاء جزء أساس من عملية التعلم عند الإنسان وتعلم لغة أجنبية . باعتباره مهارة إنسانية . لا يستثنى من القاعدة العامة ومن المسلم به أنه يشبه عملية تعلم اللغة الأم التي هي على أساس المحاولة والخطأ، فهناك مصادر تنبثق عنها الأخطاء، لعل من أهمها التداخل اللغوي أو استخدام الطالب الأتماط اللغوية للغة الأصلية في تعلم اللغة المستهدفة؛ على هذا فتناولت هذه الدراسة أخطاءً تعبيريةً تحريريةً لطلاب فرع اللغة العربية ترجع إلى التداخل اللغوي مستخدمةً المنهج الوصفي التحليلي.

إن أداة الدراسة المستخدمة اختبار مفاجئ حيث وقع الاختيار على موضوع يمكن أن يكتب فيه جميع الطلاب (ما هي فوائد السفر والرحلات؟).

ظهر من تفسيرنا للأخطاء التعبيرية التحريرية الشائعة للدارسين، أن كثيراً منها يُعزى إلى التداخل اللغوي وأن الترجمة الحرفية للجمل من الفارسية إلى العربية، من أهم أسباب ظهور أخطاءهم التحريرية، بعبارة أخرى إن الطالب عند الكتابة يفكر بالفارسية ويكتب بالعربية وهذا هو مصدر الخطأ.

الكلمات الدلالية: التداخل اللغوي، الاغلاط الكتابية ، اللغة الفارسية، اللغة العربية

